

# خیلاقیت در فرآیند طراحی

در گفتگویی با مهندس آرتور امید آذری

برای خلق آثار و اجرای ایده‌ها، زمان مناسب و زیادی داشتند و زمان، عامل تأثیرگذاری بود. طبیعتاً ایده‌پردازی پروژه در دو هفته و یا یک ماه بسیار متفاوت خواهند بود. در فرآیند ایده‌یابی معماری داخلی، طراح باید از قبل به طرح خود فکر کرده باشد. آمادگی قبلی در مورد نحوه طراحی مبلمان

و یا اشیاء داخل فضا، مثل نرمش قبل از ورزش است. نطفه و پیشینه ایده‌یابی، همان اسکیس‌های ساده‌ای است که در دوران تحصیل فراگرفتیم. اساتید تأکید داشتند که ذهن‌تان را به‌راحتی و با استفاده از ابزارهای مختلف حتی ماکت، روی کاغذ بیاورید. هنگام قرارگیری در فضا باید برای خود ایجاد سؤال نمود و سپس به کروی زدن پرداخت که یادگار به جای مانده از استاد هوشنگ سیحون است. با زدن کروی، تناسبات، حس فضایی و حس هویت قابل درک می‌شوند. پرورش خلاقیت و ایده‌پردازی خلاقانه بحثی کاملاً وسیع است.

**چیدمان: تعریف معماری داخلی و ارتباط آن با دیگر رشته‌ها نظیر معماری، دکوراسیون، طراحی مبلمان و غیره چیست؟**

به عقیده اینجانب، معماری داخلی، درونمایه خود را از هنرهای مرتبط نظیر طراحی صنعتی، گرافیک، مجسمه‌سازی و نقاشی گرفته است و از سوی دیگر با تکنیک‌های فنی و اجرایی در ارتباط است. در این میان، غالباً دو گروه شکل می‌گیرند: گروهی به سوی ایده‌های مفهومی می‌روند و گروه دیگر در بیشتر پروژه‌هایشان سمت و سوی اجرایی و منطقی دارند. اما آنچه برای ما مهم است، تلفیق هوشمندانه این دو رویکرد است. چراکه ساختار و ذات هنر در صورتی به نقطه‌آرمانی خود می‌رسد که در چارچوب درست خود قرار بگیرد. این اتفاق خوب، تنها با در کنار هم قرار گرفتن این دو حیطه شکل خواهد گرفت. به همین علت، معمار داخلی باید بر سازه و ساختار مسلط باشد و کارکرد فضا را لمس کند. معماری داخلی صرفاً تزئینات نیست، معمار داخلی باید به هویت فضا که به روانشناسی محیطی برمی‌گردد، آگاه باشد. به نظر من، معماری داخلی از طراحی داخلی جدا نیست و این دو در کنش و واکنش نسبت به هم و در هم تنیده‌اند. در خلق یک فضا باید نظیر سیستم استاد و شاگردی قدیم، ایده‌ها را از یک نفر به مانند استاد گرفت و با توجه به پیشرفت و شاخه‌شاخه شدن علوم و تخصص‌های مختلف نظیر نور، رنگ، فضا، سازه و دکوراسیون، به معماری داخلی مدنظر رسید.

**چیدمان: معماری داخلی ایران، بیم‌ها و امیدها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در حال حاضر، دو گرایش در معماری داخلی ما دیده می‌شود، گرایش مینیمالیستی یا خلق بیشترین از کمترین و گرایش دیگر، گرایش تجملاتی کلاسیک که بیشتر مردم آن را می‌پسندند. این گرایش‌ها، از

آرتو امید آذری متولد ۱۳۵۶ مراغه است. وی دانش‌آموخته رشته معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و پژوهشگر دوره دکتری معماری می‌باشد. در سال‌های زندگی هنری و علمی خود، نویسنده شانزده کتاب بوده و توانسته است عنوان نویسنده برگزیده جشنواره کتاب در سال ۱۳۷۸ را کسب نماید. برگزاری سمینارهای تخصصی با رویکرد فرآیند ایده‌پردازی،

خلاقیت در راستای اسکیس در طراحی معماری و طراحی و اجرای هفتاد پروژه معماری با محوریت طراحی نوین با درون‌مایه حکمت و هنر ایرانی از جمله فعالیت‌های امید آذری است. در روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵ در دفتر کار ایشان گفتگویی با وی صورت گرفت که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم:

**چیدمان: با توجه به دغدغه شما در مبحث خلاقیت، در خصوص خلاقیت در معماری داخلی، توضیح بفرمایید.**

مبحث خلاقیت نه تنها در معماری داخلی، بلکه در کلیه رشته‌های هنری و برای اساتید این رشته‌ها، حائز اهمیت بوده است. در حال حاضر اساتید بزرگوار در دانشگاه‌های کشور هستند که در پرورش ذهن‌های خلاق نقش مهمی دارند. در پایان فرآیند آموزش معماری، دانشجویان با توجه به روحیات و سلیقه خود، وارد شاخه‌های مختلف حرفه معماری می‌شوند. یکی از این شاخه‌ها، گرایش طراحی داخلی است و مستعد به‌کارگیری خلاقیت بسیاری است. دانشجویانی که به مقطع کارشناسی ارشد راه پیدا می‌کنند مباحث علمی، پژوهشی و تخصصی را تفکیک شده می‌یابند. خوشبختانه مسیر خلاقیت، توسط این عزیزان به خوبی پیگیری می‌شود و دغدغه خلاقیت، تنها، دغدغه ما نیست. واژه خلاقیت دارای حیطه وسیع و گسترده‌ای از مفاهیم است و نمی‌توان در یک نشست چند دقیقه‌ای، تعریفی جامع و کامل از آن ارائه داد. به‌طور کلی، اعتقاد بر این است که باید نگرش‌ها به سمتی باشند که زوایای پنهان وجود آدمی را آشکار کنند. پیشینه هنر و معماری جاویدان سرزمین ما، همواره راهگشای این مسیر بوده است. اولین گام پژوهشی و مطالعاتی در مبحث طراحی داخلی، ایده‌پردازی است. ذهن‌های باز و بدون محدودیت، امکان ایده‌پردازی بیشتر و بهتری دارند. در روند طراحی، ایده‌ها و گزینه‌های برتر در کنار یکدیگر قرار گرفته و کانسپت نهایی را تولید می‌کنند که پاسخگوی تمامی خواسته‌ها و نیازهای پروژه است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان خلاقیت را پررنگ‌تر نمود؟

**چیدمان: فرآیند ایده‌یابی در معماری داخلی به چه صورت است؟**

فرآیند ایده‌یابی در معماری داخلی، پیشینه‌ای قدیمی دارد. در ساختار استاد-شاگردی گذشته، معمارهای قدیمی روحیه فضا را به شاگردان خود منتقل می‌نمودند. سیستم استاد-شاگردی انتقال دانش از استاد به شاگردان بود و شاگردان ادامه‌دهنده راه استاد بودند. در آن دوره،





مهندس آرتو امیدآذری

ویژگی‌های هر یک از سبک‌های معماری داخلی به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱- سبک ایرانی: این سبک مربوط می‌شود به خانه‌های سنتی ایرانی که پنجره‌های ارسی و نور و رنگ و شفافیت داشتند و درون‌گرا بودند. بناهای باشکوه و شاخص ایرانی، ایوان‌های وسیع، تزئینات و ستون‌های عظیم از ویژگی دیگر بناهای ایرانی هستند. تعداد کمی از معماران در این سبک فعالیت می‌کنند.

۲- سبک مینیمالیست: استفاده از رنگ‌های سبز و خنک (سفید و آبی)، نورپردازی سفید و آبی، فضاهای بزرگ و باز، استفاده حداقل از مبلمان و اشیاء، به‌کارگیری نور طبیعی، بازشوهای وسیع و اهمیت شفافیت، استفاده از فرم‌های خالص مثل مربع و دایره، این سبک در ایران و دنیا رواج دارد.

۳- سبک کلاسیک: این سبک در دنیای سازندگان و سفارش‌دهندگان قشر سرمایه‌دار راه یافته است. نوآوری در این سبک، با رویکرد جدید و فرم‌های سبک شده کلاسیک در احجام خارجی و معماری داخلی، دیده می‌شود.

۴- سبک ژاپنی: در این سبک، جزئیات کم است و سادگی اهمیت زیادی دارد و از درب‌های کشویی و میز کوتاه که برگرفته از فرهنگ ژاپن است، استفاده می‌شود، این سبک در ایران نیز رواج دارد.

۵- سبک چینی: فنگ شویی، سادگی، انرژی و طبیعت در این سبک مطرح می‌شود.

۶- سبکی که در آن خمیدگی و خم‌شدگی فضا، سطوح تاشو و معماری پارامتریک اتفاق می‌افتد و در واقع تعاملی بین انسان و محیط است و فضاهای پویا ایجاد می‌کند.

در حقیقت در میان این همه سبک، نقش طراح اهمیت زیادی دارد و هنر او در این است که بتواند، فرهنگ غنی ایرانی را زنده نگه دارد و دچار سردرگمی نشود. ■

فرهنگ غربی وارد معماری داخلی ما شده‌اند و با هویت معماری ایرانی بیگانه‌اند. من جایگاهی ندارم که بگویم اینها درست‌اند یا نادرست اما اینها واقعیاتی است که با توجه به تقاضای مردم مبنی بر کلاسیک یا غیرکلاسیک بودن و خواسته کارفرما در معماری داخلی ایران رخ می‌دهد. به طور مثال در شرق تهران استخری با فضای کاملاً چینی طراحی شده است که در آن لباس‌ها، حوضچه‌ها، غذاها و... همه به سبک و سیاق فرهنگ چین هستند. این نوع طراحی برای عده‌ای، جذاب و به مثابه تنوع فضایی، جالب و خوشایند است. اما به عقیده من، ما در حال از دست دادن ریسمان معماری گذشته خودمان هستیم. ما حمام‌هایی داشتیم که حس داشتند و متعلق به این سرزمین بودند. در حال حاضر سمت و سوی محوریت‌ها را، سازنده‌ها و کارفرماها تعیین می‌کنند. اکثر طراحان نتایج جستجوی اینترنتی خود را شبیه‌سازی کرده و فقط ساخت‌وساز معماری را انجام می‌دهند. امید و چشم‌اندازی که می‌توانم برای معماری داخلی ایرانی در نظر بگیرم این است که بتوانیم هویت و ساختار رسیدن به معماری داخلی ایرانی و ریشه‌های آن را زنده نگه داریم و این مسأله به شناخت ما از گذشته برمی‌گردد.

در دنیای امروز، چیدمان با معماری ترکیب می‌شود، مثلاً یک دیوار به یک مبلمان تبدیل می‌شود. در گذشته نیز، این مسأله وجود داشت. به‌طور مثال فضاهای نشیمن در ورودی خانه‌ها، به همراه معماری کل بنا خلق شده بود. مثلاً طاقچه‌ها در دل معماری چیدمان شکل گرفته بودند. سوآلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا در گذشته معماری داخلی ایرانی، معماری داخلی جدا از روند معماری کل بنا انجام می‌شده است؟ پاسخ این سؤال قطعاً منفی است چراکه معمار سنتی همه مسأله‌ها را در کنار هم دیده و اجراکنندگان همگی با هم یک تیم منسجم را تشکیل می‌دادند. امیدوارم به سمتی برویم که در هنگام اتود زدن از فضای داخلی، به چیدمان هم فکر کنیم و در نهایت به یک انسجام کلی برسیم.

چیدمان: ارزیابی شما از گرایش‌های معماران داخلی در ایران و جهان چیست؟